

عاجزیت و

بهید مدافع حرم علیرضا نوری
روایت همسر، خانواده و دوستان

اشرف سیف الدینی



۱۳۹۸

سرشناسه: سیف الدینی، اشرف، ۱۳۵۴ -

عنوان و نام پدیدآور: حاجت روا: روایتی از زندگی شهید مدافع حرم علی رضا نوری / اشرف سیف الدینی.

مشخصات نشر: اصفهان: نشر دارخوین، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۱۷۶ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۸۰-۶۵۱-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

موضوع: نوری، علی رضا، ۱۳۶۶ - ۱۳۹۳.

موضوع: شهیدان مسلمان -- سوریه -- سرگذشتنامه

موضوع: Muslim martyrs -- Syria -- Biography

موضوع: شهیدان -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات

موضوع: Martyrs -- Iran -- Survivors -- Diaries

موضوع: ۶۶ / ۱۳۹۶ / BP5۲ / ۶۶

رده بندی یونسکو: ۲۹۷/۹۴

شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۳۰۶

حاجت روا

اشرف سیف الدینی

گرافیک: حامد شاه مرادی

ناشر: دارخوین

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۸۰-۶۵۱-۱



مرکز پخش: ۰۹۱۳۴۲۲۳۳۳۹

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است

فهرست مطالب

۹	تقدمه
۱۳	فصل اول: زندگی نامه
۱۵	زندگی نامه شهید
۱۷	فرازی از وصیه نامه شهید
۱۹	فصل دوم: به روایت مادر شهید
۲۹	فصل سوم: به روایت آزاده عشوری
۲۹	همسر شهید
۳۱	تجلی عشق
۴۷	صفای زندگی
۵۷	مسئولیت پذیر و متعهد
۷۳	جریان زندگی
۸۴	موقعیت شهید علیرضا نوری
۸۸	جواز حضور
۱۰۹	زیباترین هدیه

فصل چهارم، تقسیمات و تفرعات

- ۱۱۸ پسر با حیا
- ۱۱۹ هوش و ذکاوت
- ۱۲۴ تاثیر پذیری
- ۱۲۶ لبخندهای همیشگی
- ۱۲۷ استواری و خستگی ناپذیری
- ۱۳۰ تمسک به امام حسین (علیه السلام) و شهادت طلبی
- ۱۳۱ گون به فتن
- ۱۳۳ رعایت نظم و ضبط
- ۱۳۵ پایه‌های اعتقاد
- ۱۳۷ ولایت پذیری
- ۱۴۰ بیت المال
- ۲۴۱ ماموریت
- ۴۴۱ توسل و حقایق
- ۱۴۷ علیرضا به روایت فرمانده
- ۱۵۱ روحیه بالا
- ۱۵۳ محل شهادت
- ۱۵۴ برادری مهربان
- ۱۵۶ اهداف بالا
- ۱۵۸ ما به یادتان هستیم



مقدمه

هر کجا، هر کجای، هر وقتی، با رژیم صهیونیستی مبارزه کند ما پشت سرش هستیم.
رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی)
کاش دیگر مادر شهیدی - همه جوانان شهر را نمی خورد!
کاش جوان های شهر عصای پیری پیران کمر خمیده شهدا می شدند که دیگر پیری
ندارند!

کاش مادر و همسر شهیدی برای بی حجابی دختران جوان اشک نمی ریخت!
ما کجای قصه این زمان واقع شده ایم. وقتی قصه ی سرافرازان و معرفت جوانی
مانند شهید علیرضا نوری را شنیدم به خودم نهیب زدم آیا من در این دهر که در لشکر
برگزیدگان حضرت زهرایم یا سرگردان کسانی هستم که دین و آخرت را سباه خوارمند
کرد.

قبل از آشنایی با همسرش عکس او را برد و دیوار شهر دیده بودم، جوانی خوش
رو که هر وقت نگاهم به عکسش گره می خورد در دلم هزاران آفرین به او می گفتم که
برای دفاع از اسلام و حریم شریف اولاد رسول الله مسافر ملکوت شد. وقتی فهمیدم

علیرضا جوان دهه شصت بوده یاد جمله حضرت امام خمینی رحمه الله افتادم که روزی فرمودند: «یاران من در گهواره هستند» و کسی حرف امام را باور نمی کرد که آن یاران در گهواره ستاره های تاریخ هشت سال دفاع مقدس شوند و امروز دهه شصتی ها یاران علمدار کربلا شدند در دفاع از حرم شریف اهل بیت علیه السلام که ذکرشان «کُلُّنا عَبَّاسُک» یا: ینب» شد.

از غمی شنیدم که علیرضا قهرمان زندگی یک خانم جوان است که چند سالی در کنار او زندگی کرده است، سیره رفتاری و سبک زندگی زیبایش برای تمام اطرافیان الگو شده است. بعد از پرس و جو و پیدا کردن شماره همسر علیرضا و تماس تلفنی با او قرار ملاقات گذاشتیم.

به شوق دیدار با یاره همسر شگی علیرضا در یک روز گرم تابستان ۱۳۹۴ راهی نجف آباد شدم و طبق آدرس به منزل شهید علیرضا نوری رفتم.

وقتی قدم داخل خانه شهید گداسم همسر علیرضا با ادب و احترام تمام از من و دخترم مهمان نوازی کرد. از لحظه ورود نگاهم به تاب های عکس علیرضا که تبسمی زیبا بر چهره داشت، گره خورد.

بگذریم، زندگی این جوان های مومن با همسرانشان به شادان خوبی و عشق است و من هرگز نمی توانم آن عشق حقیقی را برای دیگران بنویسم. آن روز خانم عشوری از عشق بین خودش و علیرضا برایم حرف زد و من در مقابل این خانم جوان شرمنده شدم.

انشاله زندگی این جوان درسی شود برای همه جوان های سرزمینم.

و همه بدانیم فردایی نه چندان دور و شاید همین الان خواهیم فهمید که چرا علی اکبر و کودکان ایران و سایر کشورهای اسلامی، بی پدر می شوند. شاید تمام مردم خواهند

فهمید برای دفاع از اسلام و شریعت حضرت رسول اکرم (ص) باید بهترین فرزندان اسلام خونشان ریخته شود تا نام اسلام پابر جا بماند، تا پرچم اسلام سرفراز باشد، تا همه کسانی که خود را به خواب غفلت زده اند بیدار شوند و بدانند، هر کودکی که بی پدر می شود و قطره خونی که ریخته می شود بهایش آزادی، آرامش و امنیت آنها را تامین میکند.

نام شهید شوری بعد از شهادت علیرضا برای بیان لحظه های عاشقانه اش با علیرضا، خاخراتی در قالب جملات ادبی در فضای مجازی می نویسد. این تلاش او باعث شد تا در مسیر رشتن کتاب گاهی خاطرات به سمت جملات کوتاه ادبی سوق داده شود که امیدوارم خواننده عزیز اوج احساس راوی را درک نماید. نوشته های این کتاب اصول کاربردی برای زندگی را برده می تواند باشد.

آنچه پیش رو دارید حاصل چندین جلسه مصاحبه با همسر، خانواده و همزمان شهید علیرضا نوری است. زندگی علیرضا از رویه باب معرفت و احترام به والدین و همسر را، برای تمام جوانان گشوده است. در نگرش این کتاب سعی شده است بیشتر به نکته های اخلاقی و سبک زندگی و کاربردی دو جوان در شصت و شش سالگی اشاره شود تا همه بتوانند در زندگی از آن استفاده نمایند. باشد که ما بتوانیم از الگویی هم چون شهید علیرضا نوری همان جوانان و تربیت شدگان مکتب اسلام، درس آموختن و فرا بگیریم. در پایان به رسم ادب و احترام لازم است از خانواده بزرگوار شهید علیرضا نوری و همسر گرامیشان که در مسیر تدوین خاطرات شهید تلاش زیادی نمودند و همچنین از پدر بزرگوار شهید ابوالفضل شیروانیان، سردار مجتبی شیروانیان مدیر کل بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس اصفهان، از مسئولین محترم لشکر هشت نجف اشرف، خصوصاً سردار امینی و برادران بزرگوار مختاری، نهادی، محمد بلندیان، علی

احسان نیکجو، همزمان شهدا و برادران موسسه حفظ آثار لشکر هشت نجف اشرف و تمام عزیزانی که در مسیر مصاحبه همزمان شهدای مدافع حرم تلاش کردند، تشکر نمایم.

اجر همه آنها با شهدا و حضرت بقیه الله.



www.ketab.ir